

A Study of Verbal Aggression in the Iranian Parliamentary Discourse from the Perspective of Culpeper's Linguistic Impoliteness and Aristotle's Framework of Rhetorical Genres

Seyyed Mahdi Emadi Majd^{*}, Atoosa Rostambeik Tafreshi^{**}

Fateme Rakei^{***}

Abstract

In this research selections from the discourse of the Iranian tenth parliament (2016-2020), with the aim of identifying and analyzing (linguistic impoliteness/) verbal aggression, were examined. To this end, two different theoretical bases — impoliteness in Culpeper's latest book (2011), and Aristotelian Rhetoric (Kennedy, 2007), had been relied on so that occurrences of impoliteness in the text of a selected number of question sessions could be identified, decision could be made on the inclusion of the utterances involving impoliteness in each of the Aristotelian Rhetorical genres. Research questions are as follows: Which of Culpeper's impoliteness categories (2011) and how frequently are instantiated in the corpus of the research? What percent of utterances involving impoliteness could be considered as included in each of the judicial, deliberative and epideictic genres? The findings show that from among Culpeper's categories (2011, 113 - 193), unpalatable

* M.A. in linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies (Corresponding Author),
smem.torab@gmail.com

** The Assistant Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,
atoosa.rostambeik@gmail.com

*** The Associate Professor of Linguistics, Institute for Humanities and Cultural Studies,
fatemehrakei@gmail.com

Date received: 07/09/2022, Date of acceptance: 02/11/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

questions and/or presuppositions and next insults, from conventionalized impoliteness formulas, and innuendos and next sarcastic comments, from implicational impoliteness, are instantiated most frequently. Some highly frequent linguistic expressions in the corpus are identified and presented as conventionalized impoliteness formulas in the discourse of at least that period of Iranian parliament. 70percent of the utterances which involved impoliteness are labeled as judicial and the remaining ones are labeled as deliberative and epideictic.

Keywords: Formulaic Impoliteness, Judicial Genre, Implicational Impoliteness, Linguistic Impoliteness, Parliamentary Discourse, Verbal Aggression.

بررسی تهاجم کلامی در گفتمان مجلس ایران از چشم‌انداز بی‌ادبی زبانی کالپیر و چهارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو

سیدمهدی عمادی مجد*

آتوسا رستم‌بیک نفرشی**، فاطمه راکعی***

چکیده

در این پژوهش گزیده‌هایی از گفتمان دوره دهم مجلس ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹ ش) با هدف شناسایی و واکاوی بی‌ادبی زبانی/تهاجم کلامی بررسی شده است. نگارندگان، با این هدف، بر دو مبنای نظری بی‌ادبی زبانی کالپیر و رتوریک ارسطو تکیه داشتند تا رخدادهای بی‌ادبی زبانی را در متن تعداد برگزیده‌ای از جلسات پرسش مجلس شناسایی کنند و درباره شمول آن دسته از پاره‌گفت‌ها که دربردارنده بی‌ادبی‌اند، ذیل هریک از گونه‌های رتوریک ارسطو تصمیم‌گیری کنند. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: کدام مقوله‌های بی‌ادبی کالپیر و با چه بسامدی در پیکره پژوهش نمود یافته‌اند؟ چند درصد از پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی مشاجراتی، مشاوراتی، یا منافراتی‌اند؟ برخی یافته‌های پژوهش در میان مقوله‌های کالپیر از فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی، پرسش/پیش‌انگاری ناخوش‌آیند و سپس توهین و از بی‌ادبی‌های تلویحی، اظهارات دوپهلوی و سپس طعنه بیش از همه نمود یافته‌اند. برخی فرمولواره‌ها و بیان‌های زبانی پُربسامد در پیکره به‌عنوان فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در گفتمان (دست‌کم آن دوره) مجلس شناسایی و معرفی شدند. ۷۰ درصد از

* کارشناس ارشد زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)،
smem.torab@gmail.com

** استادیار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
atoosa.rostambeik@gmail.com

*** دانش‌یار زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،
fatemehrakei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی در متن جلسات پرسش مجلس ایران ذیل گونه‌ی مشاجرات و ۳۰ درصد دیگر نیز ذیل گونه‌ی مشاورات و منافرات دسته‌بندی شدند.

کلیدواژه‌ها: بی‌ادبی تلویحی، بی‌ادبی زبانی، بی‌ادبی فرمولواره‌ای، تهاجم کلامی، گفتمان مجلس، گونه‌ی مشاجرات.

۱. درآمد

مطالعه‌ی زبان‌شناختی گفتمان سیاسی و گونه‌های آن به سرحد یک موضوع پژوهشی مرکزی در شاخه‌های گوناگون علوم انسانی رسیده است. از دیگرسو، «پژوهش‌گران از دیرباز به رابطه‌ی میان زبان و تهاجم (aggression) علاقه‌مند بوده‌اند» (Matsumoto and Hwang 2013: 335). توجه به کارکردهای اقناعی تهاجم کلامی سبب شد نقش این پدیده در گفتمان سیاسی، به‌ویژه در حوزه‌های گفتمان‌کاوی انتقادی (critical discourse analysis) و رتوریک (rhetoric)، در نگاه پژوهش‌گران برجسته‌تر شود. پژوهش‌گرانی که از چشم‌انداز رتوریک به واکاوی گفتمان سیاسی پرداخته‌اند تهاجم کلامی را ابزاری نقش‌مند در جهت‌چیرگی بر هم‌سخن (interlocutor) و اقناع سخن‌شنو (audience) معرفی می‌کنند (see Ilie 2004: 78; Ardila 2019: 163) و بر این اساس و با مفروض گرفتن مفاهیم کلیدی گفتمان‌کاوی انتقادی (از جمله قدرت، نابرابری، ایدئولوژی، جنسیت، و تبعیض) و واکاوی رتوریکی (از جمله موقعیت، مشارکان، هدف، و سبک) به تبیین و تفسیر موارد تعیین آن در دل عبارات کلام می‌پردازند (Andrus 2013: 1). اکنون مسئله این است که در دهه‌ی گذشته، چنان‌که به‌نظر می‌رسد، تهاجم کلامی (verbal aggression) و، مهم‌تر، مشاجره‌های اتهام‌محور در گفتمان‌های رسمی سیاست‌مداران ایران رواج بیش‌تری یافته است. اتهامات، دفاعیه‌ها، و درمجموع مشاجره‌ها و گفتمان‌های تقابلی (confrontational) به‌طور کلی در جو سیاسی کشور فزونی یافته و فریادها و انگشت‌های عتاب بالاتر رفته‌اند و تلاش‌ها و توان‌های بسیاری، فارغ از طرح‌ها و برنامه‌های احتمالاً موجود برای آینده و ضرورت دعوت به عمل و مشارکت، مصروف توجیه یا حمله به اقدامات گذشته می‌شود. همین مسئله انگیزه‌ی شکل‌گیری پژوهش پیش‌رو بوده است. حال، اگرچه تهاجم کلامی، به‌افتضای ذات سیاست و مسئله‌ی قدرت، پی‌آمد ناگزیر گفتمان سیاسی است، فزونی آن آسیب‌زاست و همین بس تا فراخوان مواجهه علمی و عملی باشد. نیتیاناند و دیگران (Nithyanand et al. 2017: 6) در این باره بیان کرده‌اند: «دانش پژوهان برای بی‌تمدنی در گفتمان سیاسی پی‌آمدهای بسیاری

برشمرده‌اند. «بی‌تمدنی» میانه‌روهای سیاسی را دل‌زده کرده [پس می‌راند و این‌گونه] منجر به افزایش قطبش در میان فعالان در عرصه سیاست می‌شود». سارا و مانول (Seara and Manole 2016) نیز با تأکید بر این واقعیت اثبات کرده‌اند که «فارغ از این فرضیه که کارکرد تهاجمی یک ویژگی گفتمان سیاسی است و از ذات آن (تقابل [همیشگی] میان نمایندگان حزب‌های مخالف و دولت در جنگ بر سر قدرت) نشئت می‌گیرد [...] توهین‌ها برخوردارند» و به سهم خود در افت عمومی گفتمان سیاسی کشور اثر دارند.

در میان گونه‌های (genres) گفتمان سیاسی، گفتمان پارلمانی، به سبب نوع به خصوص مشارکت و ویژگی‌های بافتی منحصر به فرد، نمونه‌های تهاجم کلامی را فراوان در بر دارد. طبق مشاهدات، «تعامل‌های (نا)پارلمانی اعضای مجلس به واسطه الگوهای جافتاده و بسیار رقابتی‌ای که در تبادل توهین دارند و این که در یک وضعیت سازمانی مبتنی بر ایدئولوژی‌ها و متمایل به بحث و مجادله رخ می‌دهند نشان دارند [و به وضوح قابل تشخیص‌اند]» (Ilie 2001: 261). سرانجام، بروز به نسبت زیاد تهاجم در تبادل کلامی (از هر دو جانب گفتمان) حاکی از تقابلی بودن آن گفتمان است. بازنمایی زمان گذشته و معنای اتهام (accusation) در همان گفتمان و هم‌بستگی مثبت این سه، یعنی تهاجم، اتهام، و زمان گذشته، نشانه مشاجراتی بودن آن گفتمان است. گفتمانی که بنابر نظریه رتوریک ارسطو (Aristotelian rhetoric) (Lanham 1991: 164; Kennedy 2007: 48) با صحن دادگاه تناسب بیش‌تری دارد تا با صحن مجلس؛ زیرا نشانه‌های عمده گفتمان قضایی (judicial discourse) را داراست؛ گفتمانی که، برخلاف گفتمان سیاسی، خاسته از ماهیت و ناگزیر نگاه به گذشته دارد.

نگارندگان در این پژوهش، از میان گونه‌های گفتمان سیاسی امروز ایران، گفتمان مجلس و درون آن زیرگونه (subgenre) پرسش را در قلمرو زمانی معینی با هدف شناسایی و واکاوی رخداد‌های تهاجم کلامی مطالعه کرده‌اند تا به این پرسش‌ها پاسخ دهند که در پیکره برگزیده ۱. کدام مقوله‌های بی‌ادبی کالپر (Culpeper 2011) و با چه بسامدی نمود یافته‌اند؟ ۲. چه تعداد از پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی زبانی ذیل هریک از گونه‌های رتوریکی مشاجرات، مشاورات، و منافرات قابل دسته‌بندی‌اند. بدین ترتیب، فرضیه‌های پژوهش نیز به تفصیل در پی آمدند: ۱. با توجه به منابع حقوقی و قانونی که مستقیم و غیرمستقیم سیاق گفتمان را در مجلس محدود می‌کنند، از جمله مواد ناظر در آیین‌نامه داخلی مجلس بر بایسته‌های رفتاری میان اعضا و میان آنان و میهمانان و هم‌چنین برخی ویژگی‌های موقعیتی به خصوص جلسات علنی مجلس مانند جواز حضور میهمان

غیرسیاسی و گزارش‌گران در صحن و نیز ضبط و انتشار جلسات در جراید و رسانه‌ها، زیرمقوله‌های بی‌ادبی زبانی تلویحی (implicational linguistic impoliteness) با بسامد بیش‌تری از زیرمقوله‌های بی‌ادبی زبانی مرسوم‌شده (conventionalized) در پیکره برگزیده از گفتمان مجلس نمود یافته‌اند؛ ۲. در گفتمان نوبت‌های برگزیده پرسش از این دوره مجلس، غالب پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی زبانی ذیل گونه مشاجرات (judicial) و تعداد بسیار کم‌تری از آن‌ها نیز ذیل گونه مشاورات (deliberative) و منافرات (epideictic) قابل دسته‌بندی‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

غیاثیان و ذاکری (۱۳۹۳)، در پی جلوه‌های ادب و بی‌ادبی در کنفرانس‌های مطبوعاتی سیاسی رؤسای دو قوه مجریه (دوره دهم) و مقننه (دوره هشتم)، از منظر نظریه ادب (politeness theory) براون و لوینسون (Brown and Levinson 1987) و بی‌ادبی باوسفیلد (Bousfield 2008)، اهمیت ایدئولوژیک و اجتماعی تقویت‌گرها و تعدیل‌گرهای پیام را نشان داده‌اند.

محمودی بختیاری و سلیمیان (۱۳۹۵) با هدف بررسی کارکرد بی‌ادبی در زبان فارسی از طریق توصیف آن در نمایش‌نامه صیادان با الگوی نظری کالپر (Culpeper 1996; Culpeper 2003) پژوهش خود را صورت داده‌اند. آن‌ها یافتند که پُرکاربردترین راه‌برد در صیادان بی‌ادبی مثبت و کم‌کاربردترین کنایه نیش‌دار بوده است.

چهارسوقی امین (۱۳۹۷) نیز بر گفتمان دوره دهم مجلس شورای اسلامی به‌عنوان داده تمرکز کرده و در مبانی نظری خود، برای تحلیل داده‌ها، بر چهارچوب‌های نظری رتوریک ارسطو هم تکیه داشته است. اگرچه اصطلاح تهاجم (یا خشونت) کلامی از کلیدواژه‌های پژوهش او نبوده است، به اظهارات تخریب‌کننده نمایندگان نظر داشته است.

اله (Ilie 2004) به تحلیل تطبیقی این‌که چگونه قوانین مجلس گفتمان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و چگونه خود می‌توانند موردتخلف واقع شوند می‌پردازد. او تلاش می‌کند تا از منظرهایی رتوریکی و شناختی به سؤال‌هایی درباب توهین در مجلس‌های سوئد و بریتانیا پاسخ دهد.

پرسش بیوتوری (Bevitori 2004) درباره قطع کلام در پارلمان است؛ در انگلستان که در برخی شرایط مجاز است و در ایتالیا که مجاز نیست، اما هم‌چنان فراوان رخ می‌دهد. او با

مراجعه به نظام‌های وجه، وجهیت، و ارجاع درباره چگونگی مدیریت تعامل به‌واسطه «دستگاه قطع کلام» (interruption device) توسط مشارکان در دو پارلمان به‌طور تطبیقی پژوهش کرده است.

دانمایر (Dunmire 2008) به بررسی این پرداخته است که چگونه «هنوز نه» در زبان و گفتمان چون «اکنون همین‌جا» تعبیر می‌شود. او در این تکنگاشته، با تمرکز بر چگونگی ترسیم سلطه‌جویانه واقعیت آینده توسط کنش‌گران سیاسی به‌منظور نیل به اهداف سیاسی‌شان، به بررسی ماهیت و کارکرد رتوریک بازنده‌های آینده در گفتمان سیاسی پرداخته است.

آیدین‌اقلو (Aydinoğlu 2013) گفتارهای موجود در شش نمایش‌نامه یک‌پرده‌ای را در آثار جرالدین ال. هورتون (Geraldyn L. Horton)، نویسنده زن آمریکایی، برای بررسی تفاوت‌های جنسیتی در کنش‌هاش بی‌ادبانه تحلیل کرده است. او دسته‌بندی انواع راه‌بردها را برطبق فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی و بی‌ادبی تلویحی در کالپیر (Culpeper 2011) و دسته‌بندی پاسخ‌ها به بی‌ادبی را در چهارچوب بی‌ادبی باوسفیلد (Bousfield 2008) انجام داده است.

مورفی (Murphy 2014) با نگاه به نظریه ادب براون و لوینسون (Brown and Levinson 1987) و بی‌ادبی کالپیر (Culpeper 2011) شش جلسه پرسش از نخست‌وزیر را از مجلس انگلستان تحلیل کرده و نشان داده است که چگونه بی‌ادبی در طی پرسش و پاسخ‌ها در پرسش از نخست‌وزیر تعیین یافته است.

نشنکو (Neshenko 2016) گفتمان سیاسی ناهم‌ساز (conflict) را نتیجه کش‌مکش سیاسی میان شرکت‌کنندگان در مصاحبه یا همان حاملان فرهنگ‌های مختلف می‌داند و بدنام‌سازی را راه‌برد کلیدی گفتمان سیاسی ناهم‌ساز، که با فنون یک‌سویه و دوسویه تهاجم تعیین می‌یابد، معرفی می‌کند.

ولکوا و پانچنکو (Volkova and Panchenko 2016) مطالعه خود را بر مبنای نظریه گفتمان‌کاوی و نظریه تخریب (destruction) انجام داده‌اند. آن دو مفهوم «تخریب» را در ارتباط با گفتمان سیاسی، تحدید و با مفهوم مرتبط تهاجم مقایسه می‌کنند و با استفاده از گزیده‌هایی از سخن‌رانی‌های نامزدهای ریاست‌جمهوری در ۲۰۱۶ مقوله تخریب را در گفتمان سیاسی نوین آمریکا و امی‌کاوند. توجه آن‌ها به‌طور ویژه مصروف دو چیز بوده است: مقاصد غالباً تخریب‌گرانه یعنی ضربه‌زدن به شهرت رقیب و کاهش بخت سیاسی او

و هم‌چنین کارکردهای تهاجم کلامی؛ یعنی از یک سو بی‌اعتبار کردن رقیب و اتهام‌وارد کردن است و از سوی دیگر مسموم کردن ذهن مخاطب (یعنی مردم) علیه او و تحریک حس خطر در مخاطب که از جانب رقیب سیاسی متوجه اوست.

آردیلا (Ardila 2019) به بررسی زبان روفیان (Rufian's language) در یک کمیته تحقیقاتی مجلس و تحلیل این‌که او چگونه به‌طوری روش‌مند رشته‌ای از مصداق‌های بی‌ادبی را در پی هم ردیف می‌کند می‌پردازد. مصداق‌های مزبور همه آن‌چه را باوسفیلد (Bousfield 2008) و کالپر (Culpeper 1996) شناسایی کرده‌اند در بر می‌گیرد.

کوسی (Kuße 2019)، با هدف بررسی خشونت و تهاجم کلامی، اصول نظریه کنش گفتاری را در تحلیل گفتمان روسیه گذشته و کنونی با نمونه‌هایی از نطق‌های سیاسی لنین، استالین، برژنف، و پوتین از چشم‌اندازی در زمانی به‌کار می‌بندد. به‌گفته او، پیام‌های گنگ (diffuse messages) «جزئی از ابزارهای خشونت در قالب ارتباط به‌ظاهر دوستانه» اند و با جهت‌گیری (کارگفتی) غیرگفتاری و/یا ارزش‌شناختی ناواضح و ابهام معناشناختی و/یا ارجاعی مشخص می‌شوند.

۳. مبانی نظری

در این قسمت تهاجم کلامی از دیدگاه ملنیچنکو (Melnychenko 2018)، با هدف زمینه‌چینی برای ارائه بحثی مختصر درباره ماهیت این پدیده در داده‌های پژوهش، و بی‌ادبی زبانی از منظر کالپر (Culpeper 2011) و چهارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو (Kennedy 2007: 48)، با هدف معرفی مبانی نظری تحلیل داده‌ها در این پژوهش، معرفی و شرح داده شده‌اند.

۱.۳ ملنیچنکو و تهاجم کلامی در گفتمان سیاسی

ملنیچنکو (Melnychenko 2018: 41) به «کنکاش در پدیده تهاجم کلامی و مروری بر [برخی] رویکردهای گوناگون در تفسیر این پدیده» پرداخته و «برای رسیدن به فهمی دقیق‌تر از این پدیده مفاهیم کلیدی آن را مطالعه‌ای معناشناختی کرده است». گفتمان سیاسی در نگاه او سیاست به‌معنای گسترده و عام آن است: «گفتمان سیاسی شکلی عمومی از ارتباط و طرز تفکر مردم است». وی مهم‌ترین ویژگی گفتمان سیاسی را هدف همیشگی آن، یعنی رقابت برسر قدرت و حفظ آن به هر قیمت، معرفی می‌کند.

روش ملنیچنکو در این پژوهش (ibid.: 42) «مطالعه گوناگونی‌های معناساختی — واژگانی واحد واژگانی «تهاجم» به‌وسیله تحلیل و نظام‌دهی تعریف‌های واژه‌نامه‌ای آن» بوده است. او با تحلیل مؤلفه‌های (پژوهش درباره محتوای واحدهای معنادار زبان، با هدف تقسیم معنا به مؤلفه‌های کمینه معناساختی) تعریف‌های واژه‌نامه‌ای تک‌واژ «تهاجم»، برپایه واژه‌نامه‌های تخصصی انگلیسی و آمریکایی، نشان داده است که معنی‌ها از یک تا پنج صورت رایج (به‌علاوه دو صورت دیگر) در گوناگونی‌اند (ibid.: 43). در زیر، به‌عنوان نمونه، نتیجه تحلیل و مؤلفه‌های معناساختی معنای اول، سوم، و پنجم را می‌بینیم:

۱. [معنای] پایه: رفتار + [مؤلفه‌های] جنبی: دلیل [رفتار]: خلق‌و‌خو (disposition)؛ ماهیت رفتار: گفتاری یا جسمانی؛ ماهیت رفتار: با زور، حمله‌ورانه، یا به‌طور سازنده مطمئن‌به‌خود و خودمحافظ، و یا به‌طور مخرب ستیزه‌وار؛ ستیزه‌وار و مخرب، خشم‌ناک، و تهدیدکننده.

۳. [معنای] پایه: اقدام + [مؤلفه‌های] جنبی: خصیصه‌های اقدامات: خشونت‌آمیز (violent)، با زور، اقدام غیردوستانه یا زیان‌بار، هجومی، و نابرانگیزه ستیزه‌وار (unprovoked hostile)؛ با مفعول مشخص: علیه یک کشور، حمله نابرانگیزه [و ابتکاری] توسط یک کشور علیه کشوری دیگر، نقض حقوق، به‌ویژه حقوق مرزی حکومتی دیگر + ابزار مشخص‌شده اقدام (با نیروها)؛ طبقه‌بندی اقدامات: تجاوز، دست‌اندازی، حمله‌ای نابرانگیزه، و حمله‌ای نظامی.

۵. [معنای] پایه: رفتار + [مؤلفه‌های] جنبی: خصیصه‌ها: به‌عمد غیردوستانه، فاش یا سرکوب‌شده + ماهیت رفتار: ذاتی یا ناشی از ناامیدی مداوم + جهت‌یافته به‌سوی کسی/چیزی/جایی (برون‌سو یا علیه خود).

تحلیل‌های او این امکان را فراهم کرد تا برطبق مؤلفه‌ها، به‌خصوص درباره گوناگونی همه گونه‌های واژگانی — معناساختی به جمع‌بندی برسد. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از مؤلفه‌های پایه: «اقدام» و «رفتار» که (به‌جز یک استثنا) در همه معنی‌ها به‌طور ثابت وجود دارند و برخی مؤلفه‌های جنبی: «علت»، «ماهیت»، «خصیصه / توصیف»، «هدف»، و «مشخص‌کردن مفعول» (object specification) که در همه گونه‌های واژگانی — معنایی یافت نشده‌اند.

درپایان، ملنیچنکو براساس یافته‌هایش تهاجم کلامی در گفت‌مان سیاسی را این‌گونه تعریف کرده است: «از دیدگاه تعامل گفت‌وگویی (dialogical interaction)، تهاجم کلامی

در گفتمان سیاسی عبارت است از گرایش سخن‌گو به ضدگفت‌وگو به گسترده‌ترین معنا و شکست ارتباطی که توسط خطاب‌گر به‌عمد سازمان‌دهی شده است».

۲.۳ کالپیر و بی‌ادبی زبانی

کالپیر (Culpeper 2011: introduction) بی‌ادبی را «جزئی از تهاجم، تعدی (abuse)، زورگویی (bullying)، و آزار (harrasment)» می‌داند و بر آن است که بی‌ادبی زمینه مطالعاتی چندرشته‌ای است. وی، پس از ارائه مطالبی، از برخی مطالعات پژوهشی متمرکز بر هریک از پدیده‌های مزبور، از ادبیات حوزه جامعه‌شناسی، مطالعات اختلاف، انسان‌شناسی، و نیز روان‌شناسی ادعا می‌کند: «اگرچه آن‌ها اصطلاح بی‌ادبی یا بی‌ادبانه را به‌کار نمی‌گیرند، این [مقصود آن‌ها] با مفهوم زیرهشته بی‌ادبی جفت‌وجور است» (ibid.: 4).

او اولین اثر خود را در این حوزه (Culpeper 1996) «تاحدودی برگردان براون و لوینسون (1987) با عطف به حمله به وجهه» معرفی می‌کند، اما می‌افزاید که در آثار بعدی (2005) «آشکارا تمایز براون و لوینسون (1987) میان وجهه مثبت و منفی را رها کرده و تعامل را در بافت ارزیابی» کرده است (Culpeper 2011: 7). وی این ویژگی، یعنی تمرکز بر نقش بافت، را در بیش‌تر آثار متأخر درباب بی‌ادبی مشترک می‌داند. کالپیر هم‌چنین از سراسری (directness) «بعد اصلی‌ای که در جهت آن ابراه‌بردهای براون و لوینسون (1987) برای صورت‌دادن ادب ترتیب گرفته‌اند» به‌عنوان مفهومی «که به‌هیچ‌وجه سراسری نیست» (ibid.: 183, 184) یاد می‌کند و مفهوم «صراحت کاربردشناختی (pragmatic explicitness) را که پایه در شفافیت سه چیز [یعنی] نکته غیربیانی (illocutionary point)، مرجع (ها) (referen(s)، و محتوای گزاره‌ای دارد» ترجیح می‌دهد (ibid.: 184). او با استناد به یکی از مطالعات خود «تقارن/عدم تقارن قدرت [را] مهم‌ترین عامل در تعیین حکم به بی‌ادبی» معرفی می‌کند. و درکل، بنابر یافته‌های او، این «فاصله‌گرفتن از [امر] مرسوم (conventional)، چه از طریق بیان سراسری و چه بیان غیرسراسری، نامرسوم (non-conventional indirectness) است که به قضاوت به بی‌ادبی منجر می‌شود» (ibid.: 194).

موضع دیگر گسست کالپیر از نظریه ادب براون و لوینسون کانونی فرض‌نکردن مفهوم وجهه در تعریف و ماهیت بی‌ادبی است. «وجهه در قلب تمام تعامل‌هایی که بی‌ادبانه فرض می‌شوند قرار ندارد». سپس، می‌افزاید: «غالباً، مسئله اصلی به‌نظر نقض یکی از مرسومات (conventions) و هنجارهای اجتماعی است» (ibid.: 31). پس، چهارچوب نظری کالپیر از

بررسی تهاجم کلامی در گفتمان ... (سیدمهدی عمادی مجد و دیگران) ۱۴۵

۱۹۹۶ تا ۲۰۱۱ از رویکردی اساساً قیاسی و نظریه‌بنیاد تا رویکردی تجربی و داده‌محور در سیری از تطور بوده است.

۱.۲.۳ بی‌ادبی فرمول‌واره‌ای مرسوم‌شده

کالپر با پرسش از ذاتی‌بودن/نبودن بی‌ادبی در زبان (Culpeper 2011: 117) معنای «ذاتی» را در این مبحث در سه سطح قابل‌بررسی معرفی می‌کند:

«۱. کارگفت‌ها؛ ۲. راهبردهای گفتمانی/ارتباطی/کاربردشناختی؛ ۳. صورت‌ها یا بیان‌های زبانی (linguistic expressions). در اصطلاح آستین (1962) اولی به [کنش‌های] غیرگفتاری و سومی به [کنش‌های] گفتاری بازمی‌گردند و دومی مقوله‌ای است بینابینی» و صورت‌های زبانی را به‌عنوان آنچه می‌تواند و باید مورد این بحث، یعنی ذاتی‌بودن بی‌ادبی در زبان، واقع شوند مبنای ادامه بحث خود قرار می‌دهد و در انتقاد از رویکرد براون و لوینسون، که با ادعای جهانی‌بودن راهبردهای تهدید وجهه (Brown and Levinson 1987: 65) بر کارگفت‌ها متمرکز بوده‌اند، می‌گوید: «معنی‌ها تنها در صورتی می‌توانند ذاتی کارگفت‌ها باشند که کارگفت‌ها خودشان تاحدی معین و پایدار باشند. یک کارگفت، برخلاف صورت زبانی یک پاره‌گفت، به‌میزان قابل‌توجهی به کار تفسیری در بافت بستگی دارد» (Culpeper 2011: 119).

کالپر، پس از بحثی مفصل (ibid.: 120-124) برسر مواضع برخی صاحب‌نظران، صورت‌گرایی کلاسیک در برابر نسبی‌گرایی پسامدرن، مبنی بر ذاتی‌بودن/نبودن بی‌ادبی در بیان‌های زبانی، و با استناد به برخی مشاهدات و البته استدلال علیه نسبی‌گرایی مفرط، شق سومی را پیش می‌نهد و آن موضعی میانه است: «بی‌ادبی تاحدودی در بیان‌های زبانی ذاتی است» (ibid.: 124). او موضع خود را به عبارت زیر شرح می‌دهد:

موضع من دوگانی است از آن جهت که (بی‌ادبی) معناشناختی و (بی‌ادبی) کاربردشناختی را دو ضد به‌هم‌وابسته در یک مقیاس می‌بینم. (بی‌ادبی) می‌تواند بیش‌تر با یک صورت زبانی یا بیش‌تر با بافت تعیین شود، اما نه بیان و نه بافت هیچ‌یک [به‌تنهایی] حمل‌بر(بی‌ادبی) را تضمین نمی‌کنند: تعامل بین آن دوست که تعیین‌کننده است.

کالپر برای تسخیر این نسبیت مفهوم «مرسوم‌سازی (conventionalization)» را به‌کار می‌گیرد و در این جهت بیان می‌کند: «معانی کاربردشناختی می‌توانند بیش‌تر و بیش‌تر

معناشناختی شوند (به عبارتی برای اکثریت گویش‌وران زبان مرسوم شوند)» (ibid.: 127). این مفهوم یک معیار اساسی در طبقه‌بندی جدید او از بی‌ادبی است و اساساً وی در رویکرد واپسین خود رفتارهای بی‌ادبانه را در طیفی میان نهایت مرسوم‌شدگی و نهایت مرسوم‌ناشدگی (بافت‌بستگی محض تا بافت‌رستگی و معنایی‌شدگی محض) قابل‌شناسایی و تعریف می‌داند (ibid.: 128):

[معنای] کاربردشناختی نامرسوم ← [معنای] کاربردشناختی مرسوم‌شده ← [معنای] معناشناختی مرسوم.

او برای ارجاع به رفتارهای تشکیل‌شده از بیان‌های مرسوم‌شدهٔ زبانی اصطلاح فرمولواره‌های مرسوم (conventional formulae) را به‌کار می‌گیرد (ibid.: 120) و درنهایت فرمولوارهٔ مرسوم‌شدهٔ بی‌ادبی را بدین عبارت تعریف می‌کند: «صورتی زبانی که در آن تأثیرات بافت‌ویژهٔ بی‌ادبی مرسوم‌سازی شده‌اند» (ibid.: 153).

نکتهٔ جالب‌توجه در تفاوت این فرمولواره‌ها با فرمولواره‌های ادب، به‌باور کالپیر، این است:

مردم دانشی را از فرمولواره‌های بی‌ادبی کسب می‌کنند که بسیار فراتر از تجربهٔ مستقیم خود آن‌ها از کاربرد فرمولواره‌های مربوط به تأثیرات بی‌ادبی در چنان بافت‌هایی است. این بدان علت است که آن‌ها از تجربهٔ غیرمستقیم و به‌ویژه فراگفتمان نیز بهره می‌برند. تجربهٔ غیرمستقیم از فرمولواره‌های بی‌ادبی شامل یادکردهاست (mentions) تا کاربردها. این یعنی گفتمان دربارهٔ گفتمان بی‌ادبی یا همان فراگفتمان بی‌ادبی (مثال: نکوهدن یک رفتار بی‌ادبانه یا برپاداشتن (و رعایت) یک ضابطه) (ibid.: 131-132).

براساس آنچه گفته شد، کالپیر به دو روش به شناسایی فرمولواره‌ها و هم‌چنین راه‌بردهای مرسوم‌شدهٔ بی‌ادبی می‌پردازد: ۱. مطالعهٔ آن بافت‌های به‌خصوصی که در آن‌ها مشارکان به‌طور قاعده‌مند فهمی را ابراز می‌کنند که چیزی بی‌ادبانه بیان شده است (چه بیان‌هایی به‌کار رفته است؟)؛ ۲. مطالعهٔ فراگفتمان درخصوص رفتارهایی که بی‌ادبانه قلمداد می‌شوند (از کدام بیان‌ها سخن به‌میان آمده است؟) (ibid.: 134).

راه‌بردها و فرمولواره‌های مرسوم‌شدهٔ بی‌ادبی که در کالپیر موردبحث‌اند، در ادامه، در جدول ۱ معرفی شده‌اند.^۱

جدول ۱. راه‌بردها و فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی

برخی فرمولواره‌های بی‌ادبی (برگرفته از مجموعه داده‌های کالپیر ^۲)	برخی راه‌بردهای بی‌ادبی (برگرفته از کتاب‌های راه‌نمای بی‌ادبی)
توهین: - ندا‌های شخصی‌سازی‌شده منفی (personalized negative vocatives) [تو] / [تو] [مردیکه / پسره / زنیکه / پیر] [احمق / سلیطه / خرفت] - ادعاهای (assertions) شخصی‌سازی‌شده منفی [تو] [نمی‌تونی / عرضه نداری] [یه کار درست انجام بدی] - ارجاع‌های (refrences) شخصی‌سازی‌شده منفی [اون / این] [قیافه / چشم] [نحس / کور] [ت] - ارجاع‌های شخصی‌سازی‌شده منفی در قالب سوم شخص (وقتی شخص هدف در حال شنیدن باشد) [پسره / دختره] [ابله] عقل تو سرش نیست انتقاد / گلایه صریح (pointed criticism/complaint) [کاملاً / کلاً] [افتضاح / بی‌معنی / آشغال] [محض] [ه/بود] بیان‌گرهای منفی (negative expressives) (مثال: نفرین، آرزوی بد): [برو] [بمیر] [به جهنم] مرده‌شورتو بیرن پیش‌انگاری‌ها و / یا پرسش‌های ناگوار و ناخوش‌آیند (unpalatable): چرا زندگی منو جهنم می‌کنی؟ حالا مگه چی شده؟ من قصد ندارم برای اهداف سیاسی از جوانی و بی‌تجربگی رقیبم بهره‌جویی کنم.	توهین (insult) (اظهارات یا تلویحات تنزیل‌دهنده (derogatory)): تولید یا درک جلوه‌ای از ارزش کم [قائل‌بودن] برای هدف انتقاد/گلایه صریح (شامل ابراز عدم‌پسند و بیان‌داشتن عیب [تقصیر]، ضعف یا اشکال): تولید یا درک جلوه‌ای از ارزش کم [قائل‌بودن] برای هدف
	اخراج یا طردکردن (exclusion) (کوتاهی در به‌حساب‌آوردن (failure to include)؛ دوری‌جستن) تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به [حق] شمولیت (infringement of inclusion)
تحقیر: [این] [بیچگانه / کسر شأن / ابتدایی] [است / ه] تقویت‌کننده‌های پیام (message enforcers): [گوش‌بده / خوب گوش‌تو واکن] [پیش‌پیام (preface)] فهمیدی یا نه؟ (پس پیام (tag))	رفتارهای ارباب‌منشانه (patronizing behaviore) (شامل رفتارهای تحقیرآمیز (condescending)، کوچک‌کننده (belittling)، تمسخرآمیز و سبک‌کننده (demeaning)) تولید یا درک جلوه‌ای از قدرت که به سلسله‌مراتب درک‌شده قدرت تعدی کند

برخی راه‌بردهای بی‌ادبی (برگرفته از کتاب‌های راهنمای بی‌ادبی)	برخی فرمولواره‌های بی‌ادبی (برگرفته از مجموعه داده‌های کالپیر ^۲)
کوتاهی در عمل متقابل (Failure to reciprocate): تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به هیچ عمل متقابل نقض حریم (Encroachment): تولید یا درک جلوه‌ای از تعدی به فضای شخصی (چه به‌طور حقیقی چه به‌طور استعاری) رفتارهای مقبوح (taboo behaviors) (شامل کنش‌ها، نشانه‌ها، و واژه‌ها): تولید یا درک جلوه‌ای از رفتارهایی که به‌لحاظ عاطفی زننده تلقی می‌شوند	پس‌ران‌ها (dismissals): گورتو گم کن بزن به‌چاک ساکت‌کننده‌ها (silencers): [ببند/ بکش] [در/ زیپ] [طویله/ دهن] [ت] [رو] خفه شو تهدید: [پدر/ چشم‌ا/ کله] [ت رو] [درمیارم/ می‌کنم] [اگر] [X] [یا X] [یا روزگار/ آبرو] [ت رو] [سیاه می‌کنم/ می‌برم] [قبل از این‌که] [بیام سراغت/ آبروتو ببرم/ رسوات کنم] [X]

۲.۲.۳ بی‌ادبی مرسوم‌نشده - تلویحی

در آغاز این مبحث کالپیر بیان کرده است: «بسیاری از روی داده‌های بی‌ادبی هرگز فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی را شامل نمی‌شوند. ۵۹ مورد از صد روی داد بی‌ادبی گزارش شده شامل فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی نبوده‌اند». او یک طبقه‌بندی برای آنچه بی‌ادبی تلویحی نامیده پیش می‌نهد و سه طبقه را از یک‌دیگر بازمی‌شناسد که تغایرشان براساس چگونگی برانگیزش استنباط بی‌ادبی است.

۱. صورت‌محور

سطح صوری یا محتوای معناشناختی رفتار نشان‌دار باشد (Culpeper 2011: 155). در این طبقه او به محرک‌های صورت‌محور بی‌ادبی تلویحی/ استنباطی اشاره دارد. آن‌ها که به‌جز موارد مرسوم‌شده بی‌ادبی‌اند.

این بی‌ادبی با پدیده‌های گوناگونی هم‌پوشانی دارد که با اصطلاحات روزمره‌ای چون “زخم‌زبان (insinuation)”，“سخن دوپهلو (innuendo)”，“متلک‌انداختن (casting aspersions)”，“تیش‌زدن (digs)” و “کلفت بارکردن یا تکه‌انداختن (snide comments/remarks)” از آن‌ها یاد می‌شود. این اصطلاحات اگرچه به طیف گسترده‌ای از پدیده‌ها اشاره دارند، وجه مشترک همه آن‌ها دلالت به پیام‌هایی است نهفته [و ضمنی] که برانگیخته سطح صوری یا جنبه‌های معناشناختی یک رفتارند و دارای پی‌آمدهایی منفی برای افرادی خاص هستند (ibid.: 156).

برای نمونه (از میان گزارش‌های دریافتی کالپیر): کاربرد پاره‌گفت «بیا بریم بیرون» توسط یک شخص در خطاب به هم‌سخن خود با هدف‌گیری شخصی دیگر، به‌محض نزدیک شدن آن شخص، چنان‌که بشنود، با این پیام و معنای ضمنی برای او که «تو مزاحم خلوت ما دو نفری». این پاره‌گفت در آن موقعیت نشان‌دار به بی‌ربطی (و ناقض اصل «رابطه» گرایس) است. پس شخص سوم استنباط می‌کند که «بیرون رفتن» آن دو مستلزم «دور شدن از او» است و پیام را درمی‌یابد و از این رفتار کلامیِ دوپهلوی و نیز از این‌که طرد شده است می‌رنجد (ibid.: 160).

۲. رسم‌محور

به بیان کالپیر، اصطلاحات امروزی برای این نوع پدیده «طعنه (sarcasm)» و «دست‌انداختن (teasing)» است و بعضی برچسب‌های دیگر، چون شوخی / طنزهای (خشن / تلخ) که برای شوخی به کار می‌روند. وجه اشتراک همه این پدیده‌ها این است که در اغلب موارد دربردارنده پیام‌های آمیخته‌اند (Culpeper 2011: 165). به بیان دقیق‌تر، ویژگی‌هایی را که به تفسیر به ادب سوق می‌دهند با ویژگی‌هایی که به تفسیر به بی‌ادبی سوق می‌دهند درهم می‌آمیزند.^۳ نکته کلیدی نیز از دید او همین آمیختگی است.^۴

الف) ناهم‌خوانی درونی: بافت ترسیم‌شده توسط بخشی از رفتار با بافت ترسیم‌شده توسط بخشی دیگر هم‌خوانی نداشته باشد. به عبارت دقیق‌تر، ناهم‌خوانی‌هایی که از مجاورت یک فرمولواره مرسوم‌شده ادب با یک فرمولواره مرسوم‌شده بی‌ادبی و یا با یک رفتار که می‌تواند بروزدهنده بی‌ادبی باشد ایجاد شده‌اند. مثال بارز کالپیر برای این زیردسته پاره‌گفت «امکانش هست خفه شی؟» است.

در ادامه این بحث، کالپیر از امکان مرسومیت یافتن پیام‌های آمیخته در ایجاد اثر بی‌ادبی سخن می‌گوید. «درهم‌آمیزی پیام‌ها می‌تواند خود به‌طور مرسوم اثر بی‌ادبانه بیابد. [به این صورت] که ابزار ادب پیش‌درآمدی برای بی‌ادبی شود» (ibid.: 177).^۵

ب) ناهم‌خوانی بیرونی: بافت ترسیم‌شده توسط یک رفتار با بافت موجود (که رفتار در آن صورت گرفته) هم‌خوانی نداشته باشد. به عنوان مثال، پیغام نوشتاری «ممنون از شما راننده باشعور!» که توسط صاحب یک خانه، در یک برگه، روی شیشه ماشینی که راه آن خانه را مسدود کرده است قرار گیرد (ibid.: 179).

۳. بافت‌محور

آنچه او در این مقوله موردنظر دارد مواردی است که محرک در آن‌ها نشان‌دار نبوده و هیچ ناهم‌خوانی‌ای شامل فرمولواره مرسوم‌شده ادب نیز در کار نباشد، بلکه تفسیر به بی‌ادبی قبل از هر چیز خاسته از توقعات جدی مبتنی بر بافت است (Culpeper 2011: 179).

الف) رفتار بی‌نشان: رفتاری (باتوجه به سطح صوری یا محتوای معناشناختی) بی‌نشان و به‌علاوه مرسوم‌نشده که با بافت هم‌خوانی نداشته باشد. به‌باور کالپیر، رفتارهای اندکی می‌توانند توصیف شوند که نه نشان‌دار و نه مرسوم‌شده باشند. برای نمونه (از گزارش‌های دریافتی کالپیر)، نصیحت‌های معمول آمرانه و سراسر است مادرانه یک مادر به دخترش دایر بر مثلاً ضرورت دقت بیشتر داشتن درباره مسائل مالی و خودداری کردن از ول‌خرجی، که حال چون آن دختر دیگر خود را بالغ و عاقل می‌داند، برای او رنجاننده‌اند (ibid.: 182).

ب) عدم رفتار: عدم یک رفتار با بافت هم‌خوانی نداشته باشد. نمونه‌ای که کالپیر ارائه کرده گزارشی است که از یکی از گویش‌وران خود دریافت کرده است. استادی، بدون این‌که به پاسخ غلط دانشجو در جواب به سؤالی که پرسیده بود واکنشی نشان دهد، به دانشجوی دیگری روی می‌کند تا پاسخ او را بشنود.

آنچه کالپیر از «نشان‌دار» در ذهن دارد «انحراف از اصول کاربردشناختی حاکم بر دادوستد اطلاعات بین مشارکان است که در اصول هم‌یاری گرایس (1975) صورت‌سازی شده است» (ibid.: 156). به گفته وی، شاید بتوان این سه طبقه را براساس مقیاس مرسوم‌شدگی به ترتیب از هرچه معناشناختی‌تر به هرچه کاربردشناختی‌تر توصیف کرد.

۳.۳ چهارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو

ارسطو، در رساله خود *نذر خطابه* (On Rhetoric) به سال‌های ۳۳۵ تا ۳۴۰ پ م، رتوریک یا فن خطابه را «یک توانایی (قوه ذهنی یا قدرت) در یافتن (طرق، ابزار یا) شیوه‌های موجود اقناع در هر موقعیت» تعریف کرده است. شیوه‌های اقناع یا غیرهنری‌اند (همچون) قوانین، شواهد، قراردادهای، یا سوگندها که به کار گرفته می‌شوند، اما توسط سخن‌گو ابداع نشده‌اند یا هنری‌اند و ابداع سخن‌گو. شیوه‌های هنری اقناع در سه شکل صورت می‌گیرند که معروف شده‌اند به وثاقت (یا وجاهت) (ethos)، ارائه شخصیت سخن‌گو به عنوان شخص معتمد؛ تهییج (pathos)، عواطف سخن‌شنو که توسط سخن‌گو تحریک شده باشد؛ استدلال

(logos)، بحث منطقی مبتنی بر شواهد و احتمالات. ارسطو خطابه را متشکل از سه جزء [عمده] می‌داند: ۱. سخن‌گو (speaker) و موضوع سخن (subject)؛ ۲. سخن‌شنو (addressee)؛ ۳. هدف (objective) که مربوط به سخن‌شنوست (Kennedy 2007: 47)؛ بنگرید به احمدی (۱۳۹۷: ۸۹-۱۰۰). ادامه این مطلب را در بیان خود ارسطو می‌خوانیم:

۱. گونه‌های رتوریک در شمار سه هستند؛ چون شمار [طبقاتی]^۶ که سخن‌شنو بدان‌ها تعلق دارد چنین است. سخن از سه چیز تشکیل می‌شود: یک سخن‌گو و موضوعی که درباره‌اش سخن می‌گوید و کسی در خطاب و هدف سخن که مربوط به آخری است (منظورم سخن‌شنو است)؛ ۲. حال سخن‌شنو ناگزیر یا مشاهده‌گر است یا قضاوت‌گر، و [در مورد دوم] یا قاضی روی‌دادهای گذشته است یا آینده. عضو یک مجمع دموکراتیک مثالی است از کسی که روی‌دادهای آینده را قضاوت می‌کند، یک عضو هیئت‌منصفه مثالی از او که گذشته را قضاوت می‌کند. یک مشاهده‌گر به توانایی [سخن‌گو] توجه دارد؛ ۳. پس ناگزیر سه گونه رتوریکی وجود دارد: مشاوراتی، مشاجراتی، منافراتی. توصیه مشاوراتی یا واداشتن است یا بازداشتن؛ چون چه آنان که در خلوت مشاوره می‌دهند چه آنان که در جمع سخن می‌گویند همیشه یکی از این دو کار را انجام می‌دهند. در دادگاه قانون یا اتهام است یا دفاع؛ چون منازعان ناگزیر باید یکی از این دو را عرضه دارند. در منافرات یا ستایش است یا نکوهش؛ ۴. هریک از این گونه‌ها "زمان" خود را داراست؛ برای سخن‌گوی مشاوراتی، آینده (چون چه با واداشتن چه با بازداشتن او درباره روی‌دادهای آینده توصیه می‌کند)؛ برای سخن‌گو در دادگاه، گذشته (چون او همیشه باتوجه به آنچه انجام گرفته یا تعقیب قانونی می‌کند یا دفاع)؛ در منافرات کنون مهم‌ترین است؛ چون تمام سخن‌گویان باتوجه به کیفیت‌های موجود ستایش و نکوهش می‌کنند، اما آن‌ها اغلب از چیزهای دیگر نیز بهره می‌جویند، هم به یاد آوردن گذشته [برای مخاطب] و هم ترسیم مسیر آینده؛ ۵. "غایت" هریک از سه متفاوت است و سه غایت برای سه [گونه] وجود دارد: برای سخن‌گوی مشاوراتی [غایت] سودمند و زیان‌آور است (چون کسی که به‌سوی چیزی می‌شتاباند آن را به‌عنوان راه بهتر و او که باز می‌دارد بر این اساس که آن چیز بدتر است باز می‌دارد)، و او دیگر عوامل را ضمنی می‌شمارد: آیا حق‌اند یا ناحق، شرافت‌مندانه‌اند یا ننگین؛ برای آنان که در دادگاه قانون سخن می‌گویند [غایت] حق و ناحق است، و دیگر ملاحظات را در ضمن این می‌شمارند؛ برای آنان که ستایش و نکوهش می‌کنند [غایت] امر شرافت‌مندانه و ننگین است، و این سخن‌گویان دیگر ملاحظات را در ارجاع به این کیفیت‌ها مطرح می‌کنند؛ ۶. در این‌جا نشانه‌ای هست که غایت هریک [از گونه‌های

رتوریک] آن است که گفته شد: گاهی اوقات شاید یک شخص برسر عوامل دیگر نزاع نکند؛ برای مثال، یک سخن‌گوی مشاجراتی [شاید انکار نکند] که چیزی را صورت داده یا زبانی را به‌بار آورده، اما او هرگز موافقت نخواهد کرد که [با قصد] خطا کرده؛ چون [اگر او این را تصدیق کند،] دیگر نیازی به محاکمه نخواهد بود. به همین سان، سخن‌گویان مشاوراتی اغلب حقایق دیگر را پیش می‌کشند، اما هرگز اذعان نخواهند داشت که درحال توصیه به چیزهایی‌اند که به صرفه [مخاطب] نیست یا آن‌که درحال منصرف‌ساختن [او] از آن چیزی‌اند که سودمند است و آن‌ها اغلب بر این‌که به‌بردگی کشیدن همسایگان یا آنان که خطایی نکرده‌اند ناعادلانه نیست پا نمی‌فشارند. و به همین سان، آن‌ها که ستایش یا نکوهش می‌کنند این را لحاظ نمی‌دارند که اقداماتی را که شخص صورت داده آیا به سود یا زیان [خودش] بوده یا خیر، بلکه اغلب حتی این را مبنای ستایش قرار می‌دهند که او آن‌چه را شرافت‌مندانه بود بدون توجه به هزینه آن برای خودش انجام داده است. برای مثال، آن‌ها آشیل (Achilles) را می‌ستایند؛ چراکه به‌یاری دوست خود، پاتروکلوس (Patroclus)، رفت با آگاهی از این‌که خودش باید بمیرد، هرچند می‌توانست زندگی را ادامه دهد. برای او، چنین مرگی شرافت‌مندانه‌تر بود، اما زندگی به‌صرفه‌تر (Kennedy 2007: 50).

۴. روش پژوهش

داده یا (در این پژوهش) همان پیکره از دو منظر عمده، یعنی بی‌ادبی زبانی کالپپر (Culpeper 2011) و هم‌چنین چهارچوب گونه‌شناختی رتوریک ارسطو (Kennedy 2007: 50) موردبررسی، توصیف، و تحلیل واقع شد. در آغاز، نگارندگان با عطف به تعریف کالپپر از بی‌ادبی زبانی (Culpeper 2011: 254, 255) به شناسایی پاره‌گفت‌های دربردارنده بی‌ادبی زبانی/تهاجم کلامی در پیکره زبانی گردآوری‌شده پرداختند. سپس، یک‌یک پاره‌گفت‌های شناسایی‌شده را برپایه مقولاتی که کالپپر (ibid.: 113-193) ذیل دو عنوان بی‌ادبی مرسوم‌شده و بی‌ادبی تلویحی پیش‌نهاد کرده تحلیل و دسته‌بندی کردند.

از منظر بعدی، چهارچوب گونه‌شناختی ارسطو، نگارندگان به توصیف گونه رتوریکی هر پاره‌گفت پرداختند؛ به این معنا که ویژگی‌هایی که آن پاره‌گفت‌ها را، باتوجه‌به شاخص‌های بیان‌شده توسط ارسطو به هریک از گونه‌های رتوریکی، یعنی مشاوراتی، مشاجراتی، و منافراتی، نزدیک‌تر می‌کند بیان کردند. در این‌جا، توجه به یک نکته ضروری است و آن این‌که اگرچه گونه رتوریکی به‌تمامی یک اثر، درمورد این پژوهش به‌تمامی یک

نطق، تعلق می‌گیرد، چنان‌که مشاهده شد، رفتارهای زبانی مشارکان در گفتمان‌های موردتحلیل، براساس شاخص‌های ارسطو، نوسان چشم‌گیری داشتند و نکته در همین جاست: ارسطو خود گفتمان پارلمانی را نمونه‌ای از گونه مشاوراتی و آینده‌نگر معرفی کرده است که سخن‌گو در آن با اشاره به سود و زیان احتمالی به دعوت سخن‌شنو و قضاوت‌گر به مشارکت و عمل می‌پردازد. فراتر از این، در بسیاری از نوبت‌های پرسش که در این پژوهش بررسی شدند، پرسش اولیه که از جانب رئیس کمیسیون ناظر برای هیئت‌رئیس قرائت شده پرسشی به‌تمام معنا مشاوراتی است، اما در ادامه می‌بینیم که هم نماینده، که در اغلب موارد آنان آغازکننده تعامل ستیزه‌جویانه بودند، هم وزیر رو به گذشته کرده و به ایراد اتهام به یک‌دیگر و دیگری‌های یک‌دیگر پرداخته‌اند؛ چنان‌که ماهیت گفتمان و جو عاطفی دگرگون شده است (بنگرید به جلسه ۱۹۷: نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه و سیدحسن قاضی‌زاده، وزیر بهداشت). موارد این‌چنینی گویای آن است که دست‌کم پاره‌هایی نامنسجم که به‌طور برجسته‌ای در پیکره یک نطق نشان‌دارند می‌توانند متعلق به گونه‌ای متفاوت از گونه نطق باشند. چون اساساً سخن‌گو به‌واسطه آن‌ها هدف دیگری را دنبال می‌کند. برای مثال، در جلسه پرسشی که یک نماینده برای بازداشتن وزیر از یک اقدام پیش رو سخن می‌راند، گاه‌وبی‌گاه، صرف‌نظر از این‌که چه قدر بخت او در نیل به هدف اصلی‌اش افزایش یابد، وجهه وزیر را با ایراد اتهام‌های گوناگون تخریب می‌کند. پس، در بعضی گونه‌های گفتمانی، مانند گفتمان سیاسی به‌ویژه گفتمان مجلس، بی‌جا نیست تحلیل گونه‌شناختی در سطح پاره‌گفت (و بند) نیز انجام شود و نه فقط در سطح کل نطق (یا متن). اما چرایی گزینش زیرگونه پرسش به‌عنوان داده این است که این زیرگونه بافت مناسبی را برای بروز تهاجم کلامی و گفتمان مشاجراتی فراهم می‌آورد و درعین حال ماهیت آن، برخلاف ماهیت زیرگونه استیضاح، گفتمان مشاجراتی و ایراد اتهام را نشان‌دار می‌کند: «من از شما خواهش می‌کنم که سؤال کنید و این‌جا قضاوت نکنیم. قضاوت با خداست و بعد هم با مقامات قضایی است» (محمدجواد ظریف خطاب به کریمی قدوسی، جلسه ۲۳۹ - ۱۳۹۷/۰۶/۱۱)؛ «اگر جایی که اطمینان داریم خلاف است به‌قوة قضائیه بدهیم، سؤال نمی‌خواهد. به‌قوة قضائیه و دستگاه‌های امنیتی بدهیم تا بررسی کنند. بعد هم به هیئت‌رئیس [؟] و شما ابزارهایی دارید که اگر کسی خیانت کند، ولی اگر نیست به افراد توهین نشود» (بیژن نامدار زنگنه خطاب به کریمی قدوسی، جلسه ۲۰۰ - ۱۳۹۷/۰۲/۰۴). با

نگاه به همین ویژگی‌ها، نگارندگان این زیرگونه را به‌عنوان جامعه نمونه مناسب که به نسبت رضایت‌بخشی مشتمل بر هم موارد صدق و هم موارد نقض بوده، اما پیشاپیش تأییدکننده فرضیه‌ها نباشد برگزیدند.

گردآوری داده با مراجعه به تارنمای رسمی *روزنامه جمهوری اسلامی ایران* و بارگیری فایل متنی یک‌یک جلسات علنی دوره دهم مجلس (برگزارشده از ۱۳۹۵/۳/۸ تا ۱۳۹۹/۲/۳۱) که دربردارنده دست‌کم یک نوبت پرسش بودند انجام شد. نتیجه بایگانی فایل متنی ۹۸ جلسه مجلس شد که درمجموع ۱۵۳ نوبت پرسش را در دستور خود داشتند. از این ۱۵۳ نوبت پرسش، ۳۸ پرسش از جانب اعضای حزب موافق دولت، ائتلاف اصلاحات، و ۱۱۵ پرسش از جانب اعضای حزب رقیب، ائتلاف اصول‌گرایان، چه به‌طور انفرادی چه به‌طور جمعی (از دو تا هشتاد نفر)، مطرح شده است. از میان این ۱۱۵ پرسش، ۳۷ مورد آن‌ها توسط نمایندگان برگزیده برای تحلیل، یعنی سیدناصر موسوی لارگانی نماینده فلاورجان، جواد کریمی قدوسی نماینده مشهد و کلات، حسین علی حاجی‌دلگانی نماینده شاهین‌شهر و میمه و برخوار، نادر قاضی‌پور نماینده ارومیه، مجتبی ذوالنوری نماینده قم، و نصراله پژمان‌فر نماینده مشهد و کلات عنوان و در صحن علنی مجلس قرائت شده است. براینده مرور سطر به‌سطر و واژه‌به‌واژه متن کامل تمام ۳۷ نوبت پرسش مزبور حدود هفت‌صد شماره پاره‌متن دربردارنده بی‌ادبی‌های زبانی بود که در ادامه به سی‌صد پاره‌متن فروکاسته شد، اما هیچ‌یک از ۳۷ نوبت پرسش به‌کلی حذف نشد. بیش‌تر پاره‌متن‌ها یک یا دو رخداد، برخی بیش‌تر، و اندکی نیز تا بیست رخداد از مقوله‌های گوناگون بی‌ادبی زبانی را در بر دارند.

تحلیل داده به این ترتیب بود که در گام نخست هر سی‌صد پاره‌متن برگزیده پیکره از منظر بی‌ادبی کالپیر توصیف شدند و از منظر دیگر به تحلیل ۲۱۰ مورد اول بسنده شد. در گام بعد، ابتدا از هر منظر نظری، جداگانه، آمارهایی از بسامد شمول مقوله‌های آن منظر بر پاره‌گفت‌ها به‌دست داده شد و سپس توصیف و تحلیل‌های کمی آمیخته ارائه گردید. در ادامه، به‌دلیل محدودیت، فقط چند نمونه از پاره‌متن‌های تحلیل‌شده ارائه شده‌اند.^۷

راه‌نمایی: [] قلاب‌ها واحد تحلیل منظر اول و سایه خاکستری واحد تحلیل منظر دوم را نشان می‌دهند. واحدهای تحلیل‌شده از هر دو منظر در هر دو منظر با عددی یک‌سان موردارجاع بوده‌اند؛ زیرخط‌ها برای نشان‌دادن دقیق‌تر مورد بی‌ادبی / تهاجم هستند.

۵. نمونه‌هایی از داده و تحلیل کیفی

۱. جلسه ۲۶ - ۱۳۹۵/۰۶/۰۹: نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، در پرسش از علی ربیعی، وزیر رفاه: «آقای ربیعی، کی براساس شایسته‌سالاری نیروهای جوان و تحصیل کرده از بهترین دانشگاه‌های معتبر کشور را جای‌گزین آقازاده‌ها و شاه‌دامادها می‌کنید [۱] تا کشتی‌های به‌گل‌نشسته شما را به‌راه بیندازند؟ [۲] انتصابات فقط و فقط قبیله‌ای است [۳] و هم‌فکری در دادن پاداش به هم‌دیگر است [۴]».

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱. مرسوم‌شده - پرسش و پیش‌انگاری ناخوش‌آیند؛ ۲. تلویحی آشنا - صورت‌محور؛ ۳ و ۴. مرسوم‌شده - ادعای منفی.^۱

گونه رتوریک: ۲. مشاوراتی (زمان آینده، دعوت به عمل، درعین ایراد ضمنی اتهام)؛ ۳ و ۴. مشاجراتی (زمان دستوری کنون را نشان می‌دهد، اما سخن‌گو، چنان‌که پیداست، به گذشته تا کنون نظر دارد، ایراد اتهام).

۱-۲. جلسه ۳۱ - ۱۳۹۵/۰۷/۱۱: جواد کریمی قدوسی، نماینده مشهد و کلات، در پرسش از محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه: «تغییر معاون عربی - آفریقایی وزارت امور خارجه در شرایط حساس منطقه‌ای با چه استدلالی صورت گرفته و آیا فشارهای سیاسی منطقه‌ای، بین‌المللی، داخلی باعث این تغییر شده؟» (قرینه درون‌گفتمانی - وزیر: «این توهین به وزارت امور خارجه نیست؛ توهین به نظام است که ادعا کنیم ما به‌خاطر نگرانی خارجی‌ها مسئولین خودمان را عوض می‌کنیم. این حرف هیچ اساس و پایه‌ای ندارد...»).

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: مرسوم‌شده - پرسش ناخوش‌آیند؛ هم‌چنین، به اعتبار قرینه درون‌گفتمانی، توهین.

گونه رتوریک: مشاجراتی (زمان گذشته، ایراد تلویحی اتهام).

۲. نماینده در خطاب به وزیر: «فواید برجام را من اشاره می‌کنم ...: تمام‌شدن دوران بهانه‌گیری [۱] برای این موضوع که تا تحریم هست کاری از پیش نمی‌رود؛ پایان دوران پُرهزینه و خسته‌کننده مذاکرات [۲] ... در ازای این دست‌آورد صنعت هسته‌ای ما درحد نمادینش باقی ماند و تولیدات صنعت هسته‌ای ما متوقف شد [۳]».

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱-۳. تلویحی - رسم‌محور - ناهم‌خوانی درونی (طعنه).

گونه رتوریک: ۱-۳. مشاجراتی (ایراد تلویحی اتهام).

۳-۲. نماینده در خطاب به وزیر: «بارها مقام معظم رهبری فرمودند موقعی که صحبت می‌کنید دودو نگویید و شلوغ نکنید».

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: تلویحی - صورت‌محور («شما شلوغ کردید»); هم‌چنین، تحمیل نقش (دودوگفتن ویژه نقش نماینده‌هاست، نه وزیر!) (see Bousfield 2008: 131).
گونه رتوریکی: مشاجراتی (ایراد تلویحی اتهام).

۴-۲. نماینده در خطاب و اشاره به نایب‌رئیس: «برعکس می‌گویید، آقا بلد نیستی [۱]، نگاه کنید چی نوشته؟» قانع‌کننده‌بودن پاسخ وزیر، باز هم دارد اشتباه می‌کند [۲].

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱. مرسوم‌شده - ادعای شخصی‌سازی‌شده منفی؛ ۲. مرسوم‌شده - پیش‌انگاری ناخوش‌آیند.
گونه رتوریکی: ۱ و ۲. مشاجراتی (ایراد اتهام: «قضاوت شخص هدف سوی‌گیرانه و ناحق است»).

۳. جلسه ۵۰ - ۱۳۹۵/۰۹/۱۷: نصراله پژمان‌فر، نماینده مشهد و کلات، در پرسش از محمد فرهادی، وزیر علوم: «من واقعاً از جناب آقای فرهادی تشکر دارم که تلاش دارند صادقانه از رفتار خلاف قانون معاونین خودشان نهایت دفاع را داشته باشند [۱] و این صداقت و تلاش جناب آقای فرهادی است و ایشان واقعاً تلاششان برای معاونیشان قابل ستایش است [۲]».

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱ و ۲. تلویحی - رسم‌محور - ناهم‌خوانی درونی (طعنه).
گونه رتوریکی: ۱ و ۲. منافراتی (نکوهش اظهارات مخاطب که سخن‌گو آن‌ها را مغایر با صداقت و قانون‌مداری می‌خواند).

۴. جلسه ۱۰۹ - ۱۳۹۶/۰۳/۰۷: نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، در پرسش از محمدرضا نعمت‌زاده، وزیر صنعت و معدن: «اما در رابطه با سؤال دوم، ... آقای نعمت‌زاده، اخبار کذب دادن به مجلس جرم است [۱]. حقیر می‌توانم با ماده ۲۰۶ حضرت‌عالی را به قوه قضائیه معرفی کنم [۲]».

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱. مرسوم‌شده - پیش‌انگاری ناخوش‌آیند؛ ۲. مرسوم‌شده - تهدید.
گونه رتوریکی: ۱ و ۲. مشاجراتی (ایراد اتهام).

۱-۵. جلسه ۱۹۷ - ۱۳۹۷/۰۱/۲۸: نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، در پرسش از سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت: «همکاران عزیز، آنچه آقای وزیر گفت همه‌اش کذب محض است [۱]. آمار غلط گفت [۲]. صحبت‌هایش استناد ندارد [۳]... خیانت به تولید کشور با واردات صافی دیالیز توسط دولت [۴]. تولید ناموس این مملکت است [۵].»

مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۴-۱. مرسوم‌شده - ادعای شخصی‌سازی‌شده منفی؛ ۵. تلویحی - صورت‌محور («دولت که به تولید خیانت کرده، به ناموس مملکت خیانت کرده است؛ دولت خائن به ناموس است»).
گونه رتوریکی: ۵-۱. مشاجراتی (ایراد اتهام).

۲-۵. نماینده در خطاب به وزیر: «آقای قاضی‌زاده، آمارت را برو اصلاح کن [۱]. برو کلاس درس ابتدایی الفبای ضرب و تقسیم را یاد بگیر [۲].»
مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱ و ۲. مرسوم‌شده - تحقیر و تنزیل (تعدی به سلسله‌روابط قدرت).
گونه رتوریکی: ۱ و ۲. مشاجراتی (ایراد تلویحی اتهام: «شما آمار و ارقام غلط و گم‌راه‌کننده دادید»).

۱-۶. جلسه ۱۹۷ - ۱۳۹۷/۰۱/۲۸: سیدحسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت، در پاسخ به نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه: «ما کلاس اول دبیرستان یک معلمی برای خط داشتیم، یادم است اولین جلسه‌ای که آمد خطی را که به ما آموزش داد این بود "توانا بود هر که دانا بود" ... هفته بعد آمد گفت: "بادب باش تا بزرگ شوی" [۱] ... شأن و فرهنگ مردم عزیز ارومیه خیلی بالاتر از این است که این‌جا بایستی [۲] به یک وزیر تهمت بزنی [۳] و دروغ بگویی [۴]. [۵].»

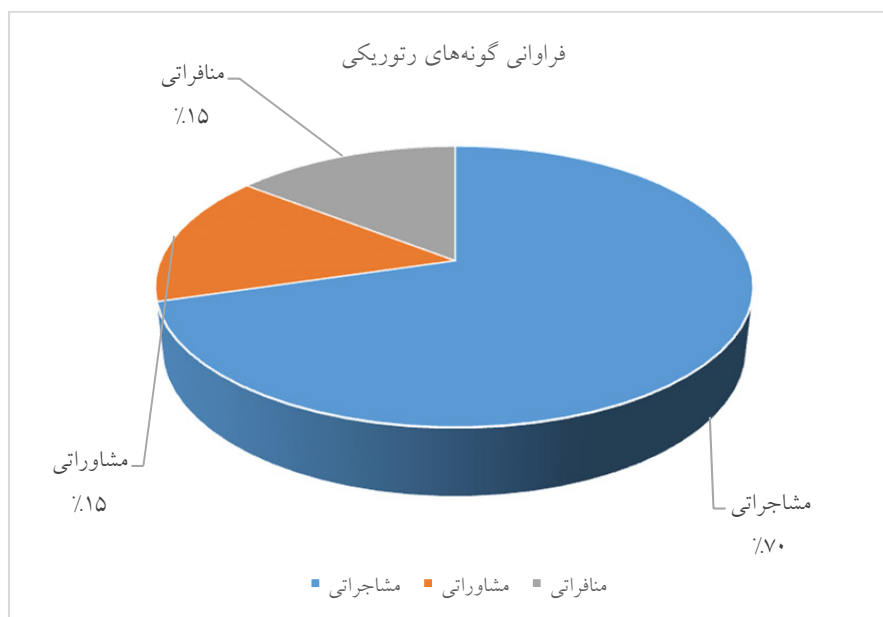
مقوله بی‌ادبی / تهاجم کلامی: ۱. تلویحی - صورت‌محور؛ ۴-۲. مرسوم‌شده - ارجاع منفی؛ ۵. مرسوم‌شده - پیش‌انگاری ناخوش‌آیند.
گونه رتوریکی: ۱ و ۵. منافراتی (نکوهش رفتار مخاطب که سخن‌گو آن را بی‌ادبانه و مایه ننگ معرفی می‌کند).

۲-۶. وزیر در خطاب به نماینده: «چرا می‌آیید این‌جا همین‌طور دهانتان را باز می‌کنید [۱] هرچه دلتان می‌خواهد می‌گویید؟ [۲].»

مقوله بی ادبی / تهاجم کلامی: ۱ و ۲. مرسوم شده - پرسش و پیش‌انگاری ناخوش آیند.
گونه رتوریکی: منافراتی (نکوهش رفتار کلامی مخاطب که سخن‌گو آن را بسیار ناپسند و نابه‌جا معرفی می‌کند).

۶. تحلیل‌های کمی و آماری

در این بخش، نگارندگان، براساس تحلیل‌های کیفی انجام‌شده بر روی داده، به توصیف و تحلیل کمی (عددی و درصدی) فراوانی رخدادها، در قالب جدول و نمودار، پرداخته‌اند: فراوانی شمول گونه‌های رتوریکی بر پاره‌گفت‌های تحلیل‌شده و فراوانی رخداد سرمقوله‌های بی ادبی زبانی در پاره‌گفت‌های مشمول هریک از گونه‌های رتوریکی.



نمودار ۱. فراوانی شمول گونه‌های رتوریکی
بر پاره‌گفت‌های دربردارنده بی ادبی

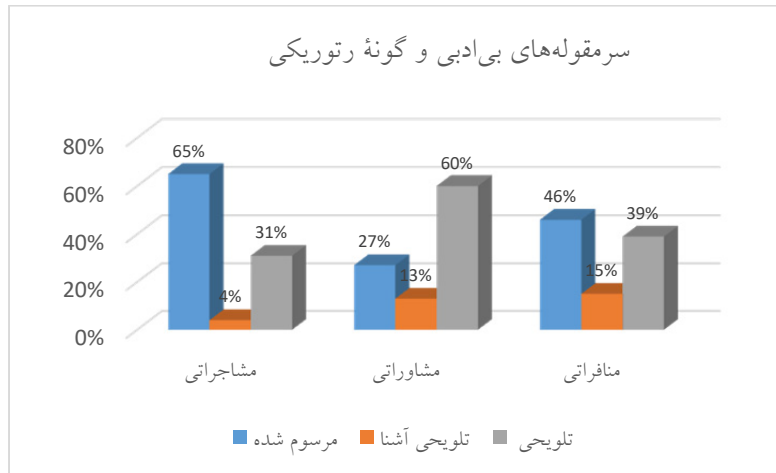
با اولین نگاه به این نمودار درستی فرضیه دوم پژوهش دریافت می‌شود. در ۲۱۰ پاره‌متن تحلیل‌شده، ۳۰۲ پاره‌گفت دربردارنده تهاجم به‌عنوان پاره‌گفت‌های مشاجراتی، ۶۵ پاره‌گفت به‌عنوان مشاوراتی، و ۶۲ پاره‌گفت نیز به‌عنوان منافراتی از نگاه نگارندگان

شناسایی شدند. مهم‌ترین شاخص در مشاجراتی‌انگاشتن یک پاره‌گفت توسط نگارندگان بازنمود معنای اتهام و سپس معنای حق و ناحق و در آخر بازنمود زمان گذشته در آن پاره‌گفت‌ها بود. غلبه فراوانی شمول این گونه بر فراوانی شمول دو گونه دیگر به تعدادی است که خطاهای موردی در شناسایی را ناچیز می‌کند.

جدول ۲. بسامد رخداد یک‌جای مقوله‌های بی‌ادبی زبانی با گونه‌های رتوریکی در بعضی واحدهای تحلیل و بدون آن گونه‌ها در بعضی دیگر

بی ادبی زبانی (تهاجم کلامی)														
تلویحی			مرسوم شده											
بافت محور	رسم محور	صورت محور	تلویحی آشنا	تهدید	ساکت کننده ها	پس ران ها	تقویت گره های پیام	(تعدی به سلسله مراتب قدرت) رفتار ارباب مشانه و تحقیر	پیش انگاری و / یا پرسش ناخوش آیند	پیان گره های منفی (مثال: نفرین، آرزوی بد)	انتقاد / گلابه صریح	توهین	واحد تحلیل (پاره گفت / عبارت / واژه)	
												- ندای (شخصی سازی شده) منفی - ادعای (شخصی سازی شده) منفی - ارجاع (شخصی سازی شده) منفی - ارجاع (شخصی سازی شده) منفی در قالب سوم شخص		
۲	۹	۸۳	۱۱	۵	-	-	-	۶	۹۳	-	۶	۸۷	مشاجراتی	گونه و توریکی
۴	۳	۳۱	۸	-	-	-	-	۴	۱۳	-	-	-	مشاوراتی	
۱	۵	۱۸	۹	-	-	-	-	۲	۱۵	-	۲	۹	منافراتی	
۵	۶	۹۹	۱۳	۱	-	-	-	۷	۷۰	-	۹	۶۴	در نود پاره متن پایانی	

در جدول ۲ بسامد رخداد مقوله‌های بی‌ادبی زبانی در پاره‌گفت‌هایی که (در ۲۱۰ پاره‌متن اول) مشمول هریک از گونه‌های سه‌گانه رتوریکی قلمداد شده‌اند و نیز در نود پاره‌متن پایانی مشاهده می‌شود. عددهای ۸۷ و ۹۳ در این جدول بیش از همه جالب توجهند: به ترتیب توهین (بیش‌تر از همه، «ادعای (شخصی‌سازی‌شده) منفی») و پرسش / پیش‌انگاری ناخوش‌آیند که با گونه مشاجرات و گفتمان ستیزه‌جویانه و اتهام‌آمیز بسیار تناسب دارند، اما با دقت‌کردن در اعداد جدول درمی‌یابیم که فرضیه اول مردود است.



نمودار ۲. مقایسه فراوانی رخداد مقوله‌های بی‌ادبی در پاره‌گفت‌های رتوریکی

این نمودار، به‌طور تطبیقی نشان می‌دهد که در پاره‌گفت‌های مشاجراتی، بی‌ادبی زبانی صورت‌گرفته در اکثریت غالب موارد از نوع مرسوم‌شده بوده است؛ برعکس، در پاره‌گفت‌های مشاوراتی بی‌ادبی زبانی اکثریت غالب از نوع تلویحی بوده است. شاید به این دلیل که همین میزان از تهاجم برای منظور سخن‌گو کفایت می‌کرده است. در پاره‌گفت‌های منافراتی نیز بی‌ادبی تلویحی و مرسوم‌شده تقریباً برابر صورت گرفته است. سخن‌گو در پاره‌گفت‌های منافراتی در بیش‌تر موارد به نکوهش سخن‌شنو و دیگری‌های او و در بعضی موارد نیز به ستایش خود و دیگری‌های خود پرداخته است. مشابهت بسیار فراوانی بی‌ادبی تلویحی در پاره‌گفت‌های مشاوراتی با فراوانی بی‌ادبی مرسوم‌شده در پاره‌گفت‌های مشاجراتی جالب‌توجه بوده، می‌تواند معنادار باشد و خود جای بررسی و آزمون دارد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

طبق جدول ۲، رخداد بسیار بیش‌تر تهاجم مشاجراتی نسبت به تهاجم مشاوراتی و منافراتی در گفتمان آن نوبت‌های پرسش که بررسی شدند نشان می‌دهد که میزان گفتمان مشاجراتی (یعنی گرایش به گذشته) در آن نوبت‌ها ناهنجار و نشان‌دار است.

اما فرضیه اول پژوهش، براساس جدول مزبور، که بیان‌گر توزیع فراوانی انواع بی‌ادبی زبانی در پیکره پژوهش است، رد شد. چنان‌که دیدیم، مقولات بی‌ادبی مرسوم‌شده و

تلویحی، به ترتیب و در مجموع، ۳۹۳ و ۳۰۷ بار در پیکره نمود یافته‌اند و بی ادبی مرسوم شده با تفاضل ۸۶ مرتبه‌ای از بی ادبی تلویحی بسامد بیش‌تری داشته است. درکل، از مقوله‌های بی ادبی کالپیر (Culpeper 2011: 113-193)، به‌طور خاص از میان فرمولواره‌های مرسوم شده بی ادبی شناسایی شده توسط او، توهین در قالب ارجاع و ادعای منفی مستقیم (یا غیرمستقیم) نسبت به سخن‌شنو، پرسش‌ها و پیش‌انگاری‌های ناخوش‌آیند و ناگوار، انتقاد صریح، تحقیر و بیانات ارباب‌منشانه، هم‌چنین از میان انواع تلویحی بی ادبی، طعنه و اظهارات دوپهلو و نیش‌دار با بیش‌ترین بسامد رخ داده‌اند.

در بحث از ماهیت پدیده مورد بررسی پژوهش، براساس مبنای معناشناختی اتخاذ شده (که در قسمت مبانی نظری گذشت)، گفتنی‌ترین این است که از میان هفت گونه معنایی که ملنیچنکو برای اصطلاح «تهاجم» معرفی کرده گونه یکم و پنجم، که معنای پایه‌شان «رفتار» است، با تهاجم کلامی نزدیک‌ترین رابطه را دارند. گونه دوم و هفتم با معنای پایه «احساس» و دو گونه سوم و چهارم با معنای پایه «اقدام» (مانند تهاجم یک کشور به کشوری دیگر) در اساس با این پدیده مغایرند. گونه ششم نیز با معنای پایه «بازی کردن» به‌هم‌راه دو مؤلفه جنبی که عبارت‌اند از: محل اجرای «بازی»، یعنی «ورزش»، و هدفی به‌خصوص، یعنی «کسب امتیاز»، به‌ظاهر با تهاجم کلامی تغایر اساسی دارد. هرچند، ملنیچنکو (Melnychenko 2018: 43) در توضیح این گونه ادامه داده است: «مؤلفه پایه این گونه (یعنی بازی کردن) هم‌چنین ناظر بر فعالیت‌هایی است که می‌توان با معنای پایه تمام گونه‌های [شش‌گانه] پیشین برابر دانستشان ...». این چنین، اگر «بازی کردن» را متناظر با معنای پایه گونه پنجم، یعنی «رفتار»، و گفتمان سیاسی را بافت و محلی برای اجرای این رفتار تهاجمی در نظر بگیریم، آن‌گاه عبارت استعاری «بازی سیاسی/سیاست» ملموس‌تر می‌آید؛ به‌ویژه با عنایت به مؤلفه جنبی دیگر این گونه معنایی، یعنی هدف آن، که «کسب امتیاز» است. پس می‌بینیم که این گونه معنایی نیز می‌تواند با پدیده این پژوهش، تهاجم کلامی/بی ادبی زبانی در گفتمان سیاسی، رابطه تنگاتنگی داشته باشد. در پیکره پژوهش، بسیاری موارد از رفتارهای تهاجمی کلامی دیده شدند که اثرشان، خواسته یا ناخواسته، کاستن از بخت شخص هدف و افزودن بر بخت سخن‌گو در پیروزی نهایی (رای دل‌خواه نمایندگان و مردم) بود. این مؤلفه معنایی تهاجم یعنی «کسب امتیاز» در مناظره‌های سیاسی بسیار بارزتر است: آن‌جا که برد یکی مستلزم باخت دیگری/ دیگران است. در این باره، گارسیا - پاستور (García-Pastor) بیان می‌کند: «مناظره‌های انتخاباتی سیاسی بازی‌های با جمع - صفرند (zero-sum games)،

که ذاتِ بُردو باختی و خصلتِ ستیزه‌آمیز آن‌ها در تبادلهای متقابل نام‌زدها بروز کامل می‌یابد» (García-Pastor 2008: 101).

وولکوا و پانچنکو (Volkova and Panchenko 2016: 178)، با اتخاذ مفهوم تهاجم ابزاری (instrumental aggression) (در برابر تهاجم تکانشی) از اصطلاح‌شناسی باس (Buss 1971)، در جمع‌بندی بیان کرده‌اند: «اظهارات تعدی‌گرانه (abusive remarks) سیاست‌مداران ناشی از فوران‌های عاطفی خودجوش نیست، بلکه ناشی از راه‌بردی است تخریبی و مفصل آن‌جا که ذات مجادله‌ای گفتمان سیاسی بهره‌گیری از تهاجم ابزاری را برای خاطر تسخیر قدرت، تنزیل جایگاه رقیب، و فروکاهی وجهه عمومی او لازم می‌دارد» (بنگرید به باس 1961، به‌نقل از Culpeper 2011: 220). اگر این بیانیه را مبنا قرار دهیم، می‌توانیم بگوییم که هیچ‌یک از گونه‌های معنایی یکم، پنجم، و ششم ملنیچنکو به‌تنهایی به‌طور کامل گویای همه رخدادهای پدیده مورد مطالعه در پیکره برگزیده نیستند، چه آن‌که در یک یا چندی از مؤلفه‌هایشان با آن تغایر هم دارند. برای نمونه، گونه یکم «علت» تهاجم را در جمع مؤلفه‌های جنبی خود دارد و آن «خلق‌وخو» است.^۹ یک سیاست‌مدار، اگرچه دارای شخصیتی تهاجمی باشد، قاعدتاً برای حفظ وجهه و اعتبار خود و پیروزی نهایی در بازی، از ابراز خشونت‌های تکانشی در ستیزه‌های کلامی سیاسی خودداری خواهد کرد. کالپر دربارهٔ ارائه نمونه از موقعیت‌هایی که امکان مقابله به‌مثل را محدود می‌کنند می‌نویسد: «سیاست‌مداران به‌ندرت پاسخ هم‌سان به حرف‌پران‌ها (hecklers) می‌دهند [تا]، بنابر احتمال، وجهه آنان به‌عنوان فردی آرام و خوشتن‌دار آسیب نبیند» (Culpeper 2011: 206). استثنای بارز در پیکره پژوهش رخدادهایی است نظیر برخی از آن‌چه در جلسه ۱۹۷ (به تاریخ ۱۳۹۷/۰۱/۲۸) میان نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، و سیدحسن قاضی‌زاده، وزیر بهداشت، گذشت: «من همین‌جا از رئیس قوه قضائیه خواهش می‌کنم حتماً به این تهمت‌هایی که این آقا، که دفعه اولش نیست، چندمین بار است دارد (تهمت) می‌زند رسیدگی کنند و همین‌جا حد بزنند» (نوبت دوم وزیر - در اشاره به نماینده)؛ «این نکبت است، این‌که وزارت نیست. شما انتظار دارید من جوابتان را هم ندهم؟» (نوبت دوم وزیر - خطاب به نماینده). رخدادهایی این‌چنین، که به‌روشنی حاکی از فوران خشم سخن‌گویند، با گونه معنایی پنجم، که «تداوم ناامیدی» را جزو مؤلفه‌های جنبی خود دارد، مطابقت دارند، اما ترکیبی از برخی مؤلفه‌های سه گونه معنایی یکم، پنجم، و ششم یک گونه معنایی را، که گویای همه رخدادهای تهاجم کلامی در پیکره پژوهش باشد، شکل می‌دهد: معنای پایه: رفتار +

مؤلفه‌های جنبی؛ ماهیت رفتار: کلامی یا پیراکلامی؛ ماهیت رفتار: حمله‌ورانه، به‌طور مخرب ستیزه‌وار؛ ستیزه‌وار و مخرب، (خشم‌گینانه)، تهدیدکننده؛ ماهیت رفتار: جهت‌یافته به‌سوی کسی/چیزی/جایی؛ خصیصه‌ها: به‌طور عمد غیردوستانه؛ هدف: کسب امتیاز.

فرضیه دوم پژوهش، براساس نتایج، به‌قوت تأیید شد. پاره‌گفت‌های مشاجراتی به‌تنهایی دوبرابر مجموع پاره‌گفت‌هایی‌اند که ذیل دو گونه دیگر می‌گنجند. البته، چنان‌که در قسمت روش پژوهش نیز اشاره شد، بررسی گونه رتوریکی در سطح پاره‌گفت می‌تواند آزمون پُرخطایی باشد. ارسطو نیز بیان کرده است که اختصاص دادن یک هدف به هر گونه رتوریکی به معنای صلب آن از گونه‌های دیگر نیست: آن هدف پیش و بیش از هر هدف دیگری در آن گونه دنبال می‌شود. به همین دلیل، تصمیم‌گیری درباره برخی پاره‌گفت‌ها که آیا هدف اصلی سخن‌گو از بیان آن‌ها حق و ناحق (مشاجراتی) بوده یا سودوزیان (مشاوراتی) برای نگارندگان کار دشواری بود، اما ایراد/رد اتهام به‌عنوان مهم‌ترین خصیصه گفتمان مشاجراتی در اکثریت قریب به اتفاق پاره‌گفت‌های مشاجراتی، به تشخیص نگارندگان، دیده می‌شد. ۶۵ درصد رخدادهای بی‌ادبی در این پاره‌گفت‌ها از نوع مرسوم‌شده بود؛ به‌علاوه، ۸۷ مورد از ۹۶ رخداد توهین (شامل به‌ویژه ادعای (شخصی‌سازی‌شده) منفی) در این پاره‌گفت‌ها وجود داشت: صراحت بیان در کنار ادعای منفی با معنای اتهام رابطه تنگاتنگی دارد. این دو قضاوت نگارندگان مبنی بر مشاجراتی بودن آن پاره‌گفت‌ها را پشتیبانی می‌کنند (بنگرید به جدول ۲، نمودار ۲).

در این جا برخی عبارت‌ها و فرمولواره‌های رایج را در گفتمان مجلس دهم، که کارکرد بی‌ادبی (و اثر برخوردگی) داشتند و توسط نگارندگان استخراج شدند، مشاهده می‌کنیم. این عبارت‌ها را با توجه به رخداد زیادشان در تعامل‌های بی‌ادبانه و خشونت‌آمیز گفتمان‌های موردتحلیل پژوهش، براساس معیارهای کالپیر، می‌توان از فرمولواره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در گفتمان امروز مجلس ایران برشمرد:

- ارجاع به شخص غایب هم‌راه با ادعای منفی درباره او؛
- چرا خواب بودید/بودند/هستید (خواهی‌ده‌اید)؛
- چه کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است؟؛
- چه دستی در کار است؟؛
- جا داشت ما را تشویق کنید/ما انتظار داشتیم از ما تقدیر بشود؛

- برخی‌ها/بعضی‌ها (به‌عنوان ارجاع منفی)؛
 - چه کسی/کسانی پشت پرده/صحنه است/هستند؟؛
 - واقعیت [امر] چیست؟؛
 - صادقانه بگوئید/بفرمایید ...؛
 - من [حالا] باز نکنم/نمی‌کنم؛
 - [حالا] این آمار/اخبار/ارقام را از کجا آورده‌اند/اید [من نمی‌دانم]؛
 - دولتی‌ها X (و X اتهام یا ارجاعی منفی باشد)؛
 - X به‌جای این‌که Z Y (و X سخن‌شنو یا اشخاص یا نهادهای مرتبط با او و Y اقدام دل‌خواه و صورت‌نگرفته و Z عملکردی اشتباه و نکوهش‌پذیر باشد)؛
 - X حیا خلوت Y است (و Y سخن‌شنو یا سمت سازمانی او یا اشخاص مرتبط با او و X بخشی از سازمان مرتبط یا تحت مسئولیت او باشد)؛
 - [چرا] نشانی اشتباه [/گرا] [به مردم] [به دشمن] [می‌دهید؟/] ندهید؛
 - باز [هم] [که] [شما] X (و X یک کنش یا اقدام نکوهش‌پذیر باشد)؛
 - [پس] خاصیت/فایده X چیست؟ (و X جایگاه سازمانی یا هویت حقوقی سخن‌شنو یا افراد مرتبط با او باشد)؛
 - شما که X نباید هم Y (و X اتهام به سخن‌شنو براساس یک مورد نکوهش‌پذیر و Y اقدام دل‌خواه و صورت‌نگرفته باشد)؛
 - شما که X چه برسد به Y (و X برآیند دست‌کمی یا شدنی‌تر و محقق‌نشده و Y برآیند دشوارتر و پُر هزینه‌تر و محقق‌نشده باشد)؛
 - شما باعث/موجب شدید X (و X وضعیت یا برآیندی نامطلوب باشد).
- اینک ازجمله پیش‌نهادهای پژوهش‌های آینده یکی بررسی و تحلیل کیفی شماری از نمونه‌های پیکره پژوهش (بنگرید به پی‌نوشت ۷) از منظر چهارچوب اقناعی رتوریک ارسطوست که افزوده ارزش‌مندی بر این پژوهش خواهد بود؛ نظر در این‌که چگونه بی‌ادبی زبانی/هاجم کلامی چونان ابزاری درجهت مغلوب‌ساختن سخن‌شنو و متقاعدکردن شخص قضاوت‌گر نسبت به حقانیت خود در دست سخن‌گو عمل می‌کند. دیگری، بررسی تطبیقی

گفتمان‌های نمایندگان هم‌حزب و رقیب مجلس با اعضای دولت است؛ با سؤال از این‌که فراوانی رخداد پاره‌گفت‌های مشاجراتی در گفتمان‌های نمایندگان هر حزب، یعنی حزب رقیب و حزب موافق، با اعضای دولت چه‌قدر است. هم‌چنین، بررسی تطبیقی فراوانی مقوله‌های بی‌ادبی در گفتمان هر دو حزب. یافته‌ها می‌توانند محکی برای یافته‌های این پژوهش باشند.

در پایان، یادآوری این نکته لازم است که البته تهاجم کلامی آن هم انگیزه سودجویی سیاسی قابل‌نکوهش است، اما صرف رفتار تهاجمی یا خشونت‌آمیز قابل‌ارزش‌گذاری منفی، به‌عنوان بدترین رخداد ممکن، نیست. چنان‌که ملنیچنکو در ضمن گونه معنایی اول خود آورده، تهاجم می‌تواند به‌طوری سازنده در جهت محافظت از خود باشد. هم‌چنین، ناگفته پیداست که در گفتمان (سیاسی) میان راست‌گویی و عدم تهاجم و از آن‌سو میان دروغ‌گویی و وجود تهاجم هم‌بستگی طبیعی وجود ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. مثال‌ها از جانب نگارندگان به‌کل شمی و به قیاس ناقص با نمونه‌های ارائه‌شده در متن اصلی است و نه به‌دست‌آمده از طریق روش‌های اتخاذشده در آن منبع.
۲. کالپیر این فهرست را بازتاب‌دهنده داده‌های قاعده‌مند خود و نه فهرستی از تمام فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در زبان انگلیسی معرفی می‌کند. باوجوداین به‌قوت گمان دارد که این فهرست بسیاری فرمول‌واره‌های مرسوم‌شده بی‌ادبی در زبان انگلیسی را که کاربرد عمومی فراوانی دارند در بر می‌گیرد.
۳. اله در یافته‌های خود از مطالعه تطبیقی گفتمان‌های اعضای دو پارلمان انگلستان و سوئد از منظر رتوریک، «باهم‌آری (juxtaposition) مفاهیم متضاد» را به‌عنوان یکی از سه راه‌برد کلامی مشترک میان اعضای هر دو پارلمان برای توهین کردن معرفی کرده است (Ilie 2004: 56).
۴. کوسی (Kuße 2019) در جمع‌بندی پژوهش خود بیان می‌کند که «پیام‌های گنگ از ابزارهای خشونت در صورت ارتباط به‌ظاهر دوستانه‌اند».
۵. نگارندگان در تحلیل پیکره پژوهش، با نگاه به همین نکته، یعنی امکان مرسومیت‌یافتن صورت‌های زبانی که (هنوز کم‌وبیش) به‌طور تلویحی منجر به برداشت بی‌ادبی می‌شوند، برخی صورت‌های زبانی به‌کاررفته در پیکره نظیر ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات رایج را که، در نگاه آن‌ها، برداشت بی‌ادبی از آن‌ها در موقعیت چندان نیازمند استنباط نبوده و اما در فرمول‌واره‌های کالپیر نیز نمی‌گنجدند، ذیل مقوله‌ای با عنوان بی‌ادبی تلویحی آشنا جای داده‌اند.

۶. []ها در این نقل قول توضیحات شارح، جان کندی را نشان می‌دهند.

۷. برای دیدن تمام پیکره تحلیل شده، بنگرید به عمادی مجد ۱۳۹۹.

۸. در کالپر (Culpeper 2011: 135, 256) «صراحت ارجاع به سخن‌شنو» مؤلفه متشکل این مقوله از توهین است و اگر به مؤلفه مزبور نباشد، شاید نتوان این مقوله را مرسوم‌شده برشمرد، اما نکته در بافت موردبررسی این است که شخص هدف پیش‌تر مشخص شده بوده و این‌که منظور سخن‌گو از رفتار بی‌ادبانه حمله به وجهه اوست و نه کس دیگر لغوپذیر (noncancelable) است. از این رو، نگارندگان، به جای عبارت «ارجاع شخصی سازی شده منفی»، عبارت «ارجاع منفی» را به کار برده‌اند. اگر ارجاع لغوپذیر بود، مقوله مناسب «تلویحی - صورت‌محور» می‌بود.

۹. برای آشنایی با تهاجمی بودن در ارتباط (aggressiveness in communication) به عنوان یک خلق‌وخو، با تأکید بر شخص و نه موقعیت، بنگرید به Infante et al. 1992.

کتاب‌نامه

- احمدی، محمد (۱۳۹۷)، *رتوریک؛ از نظریه تا نقد*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیدادیان قمی، فهیمه (۱۳۹۷)، *تحلیل گفتمان انتقادی خشونت زبانی در ژانر درام اجتماعی فیلم‌های سینمایی ایرانی: رویکرد انتقادی فرکلاف*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- تاجیک، محمدرضا و نعمت‌الهی، نگین (۱۳۹۵)، «کیفیت بازنمایی خشونت کلامی در چهارچوب منطق هویتی گفتمان نوپادگرایی؛ مطالعه موردی: داعش و بوکوحرام»، *مطالعات سیاسی*، دوره ۹، پیاپی ۳۳، ۲۷-۵۶.
- چهارسوقی امین، تینا (۱۳۹۷)، *رتوریک سیاسی در ایران: سازوکارهای اقناع در گفتمان مجلس شورای اسلامی*، قم: لوگوس.
- راسخ مهند، محمد و دیگران (۱۳۹۷)، «خشونت گفتاری در مطبوعات: مطالعه موردی روزنامه‌های فارسی»، *مطالعات زبانی و بلاغی*، دوره ۹، پیاپی ۱۸، ۱۳۵-۱۶۴.
- صمدی طاری، کیومرث (۱۳۹۷)، *خشونت نمادین و کلامی در سینمای ایران: با تأکید بر گفتمان قدرت از دیدگاه میشل فوکو؛ مطالعه موردی: فیلم‌های گزارش (۱۳۵۶)، عباس کیارستمی و جدایی نادر از سیمین (۱۳۸۹)، اصغر فرهادی؛ پروژه عملی: ساخت فیلم سینما خونه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- عمادی مجد، سیدمهدی (۱۳۹۹)، *واکاوی بازنمودهای واژگان دستوری تهاجم کلامی و گونه‌های رتوریکی آن‌ها در گفتمان مجلس ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بررسی تهاجم کلامی در گفتمان ... (سیدمهدی عمادی مجد و دیگران) ۱۶۷

غیاثیان، مریم‌السادات و طاهره ذاکری (۱۳۹۳)، «ادب و قدرت: مطالعه نشان‌گرهای تقویت/تعدیل در زبان سیاسی»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، س ۱۰، ش ۱، ۹۵-۱۲۲.

فراجادمنش، کاوه (۱۳۹۶)، تحلیل کیفی محتوای خشونت‌های کلامی در هواداران تیم فوتبال پرسپولیس، مرکز پیام نور کرج.

محمودی بختیاری، بهروز و سمیه سلیمیان (۱۳۹۵)، «بررسی بی‌ادبی کلامی در نمایش‌نامه صیادان»، جستارهای زبانی، س ۷، ش ۱، ۱۲۹-۱۴۹.

محمودی بختیاری، بهروز و مهسا معنوی (۱۳۹۵)، «خشونت کلامی در نمایش‌نامه هاملت با سالاد فصل: رویکردی گفتمانی»، جستارهای زبانی، س ۷، ش ۲، ۱۸۷-۲۰۵.

- Andrus, J. (2013), "Rhetorical Discourse Analysis", *The Encyclopedia of Applied Linguistics*, Carol A. Chapelle (ed.), John Wiley and Sons, 4975-4981.
- Ardila, J. G. (2019), "Impoliteness as a Rhetorical Strategy in Spain's Politics", *Journal of Pragmatics*, vol. 140, 160-170.
- Aydinoğlu, N. (2013), "Politeness and Impoliteness Strategies: An Analysis of Gender Differences in GERALYN I. HORTON'S PLAYS", *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, vol. 83, 473-482.
- Bevitori, C. (2004), "Negotiating Conflict Interruptions in British and Italian", *Cross-Cultural Perspectives on Parliamentary Discourse*, vol. 87, no. 10.
- Bousfield, D. (2008), *Impoliteness in Interaction*, Amsterdam: Benjamins.
- Brown, P. and S. C. Levinson (1987), *Politeness: Some Universals in Language Usage*, vol. 4, Cambridge University Press.
- Culpeper, J. (1996), "Towards an Anatomy of Impoliteness", *Journal of Pragmatics*, vol. 25, no. 3, 349-367.
- Culpeper, J. (2011), *Impoliteness: Using language to cause offence*, vol. 28, Cambridge University Press.
- Dunmire, P. L. (2008), "4. The Rhetoric of Temporality: The Future as Linguistic Construct and Rhetorical Resource", in: *Rhetoric in Detail*, John Benjamins, 81-111.
- García-Pastor, M. D. (2008), "Political Campaign Debates as Zero-Sum Games: Impoliteness and Power in Candidates' Exchanges", *Language Power and Social Process*, vol. 21, no. 101.
- Ilie, C. (2001), "Unparliamentary Language: Insults as Cognitive forms of Ideological Confrontation", *Amsterdam Studies in the Theory And History Of Linguistic Science Series*, vol. 4, 235-264.
- Ilie, C. (2004), "Insulting as (un) Parliamentary Practice in the British and Swedish Parliaments", *Cross-Cultural Perspectives on Parliamentary Discourse*, vol. 45, no 10.
- Infante, D. A. et al. (1992), "Verbal Aggressiveness: Messages and Reasons", *Communication Quarterly*, vol. 40, no. 2, 116-126.

- Kennedy, G. A. (2006), "Classical Rhetoric", *Encyclopedia of Rhetoric*, Thomas O. Sloane (ed.), Oxford University Press, Encyclopedia of Rhetoric: (E-Reference Edition), Oxford University Press, The Midnight University.
- Kennedy, G. A. (2007), "Aristotle", in: *Rhetoric: A Theory of Civic Discourse, Translated with Introduction, Notes and Appendices*, Oxford: Oxford University Press.
- Kuße, H. (2019), "Diffuse Messages as Aggression and Violence in Political Discourse", *Political Discourse in Central, Eastern and Balkan Europe*, vol. 84, no. 23.
- Lanham, R. A. (1991), *A Handlist of Rhetorical Terms*, Berkeley: University of California Press.
- Matsumoto, D. and H. C. Hwang (2013), "The Language of Political Aggression", *Journal of Language and Social Psychology*, vol. 32, no. 3, 335-348.
- Melnychenko, I. S. (2018), "Approaches to Definition of Verbal Aggression in Political Discourse", *Science and Education a New Dimension, Philology*, vol. VI(52), no. 177.
- Murphy, J. (2014), "(Im) Politeness during Prime Minister's Questions in the UK Parliament", *Pragmatics and Society*, vol. 5, no. 1, 76-104.
- Neshenko A. V. (2016), "Defamation and Aggression in the Political Discourse (by the Material of A. Lukashenko's Interview)", *Philological Sciences, Questions of Theory and Practice*, vol. 4-12, no. 66.
- Nithyanand, R., B. Schaffner, and P. Gill (2017), "Measuring Offensive Speech in Online Political Discourse", in: *7th {USENIX} Workshop on Free and Open Communications on the Internet ({FOCI} 17)*.
- Seara, I. R. and V. Manole (2016), *Insult and the Construction of the Other's Identity; Remarks on Portuguese Political Discourse*.
- Volkova, Y. A. and N. N. Panchenko (2016), "Destructiveness in Political Discourse", *Russian Journal of Linguistics*, vol. 20, no. 4, 161-178.
- Zima, E., G. Brône, and K. Feyaerts (2010), "Patterns of Interaction in Austrian Parliamentary Debates", *European Parliaments under Scrutiny: Discourse Strategies and Interaction Practices*, 135-164.